نماز و طهارت

**نويسنده:**

**شيخ عبد العزيز بن باز**/

**وشيخ محمد بن صالح العثيمين**/

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | نماز و طهارت |
| **مؤلّف:**  | شيخ عبد العزيز بن باز وشيخ محمد بن صالح العثيمين |
| **ترجمه:** | اسحاق دبیری رحمه الله |
| **موضوع:** | احکام عبادات (نماز، روزه، زکات و حج) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | فروردین (حمل) 1395شمسی، رجب 1437 هجری |
| **منبع:**  | سایت عقیده [www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

**فهرست مطالب**

[كيفيت نماز حضرت رسول 4](#_Toc313558917)

[واجب بودن أداي نمازها در جماعت 13](#_Toc313558918)

[وضوء، غسل، و نماز 19](#_Toc313558919)

[وضوء 19](#_Toc313558920)

[چگونگي وضوء 19](#_Toc313558921)

[غسل 20](#_Toc313558922)

[چگونگي غسل: 20](#_Toc313558923)

[تيمم 20](#_Toc313558924)

[چگونگي تيمم: 20](#_Toc313558925)

[نماز 21](#_Toc313558926)

[كيفيت نماز 21](#_Toc313558927)

[امور مكروه در نماز 25](#_Toc313558928)

[اموري كه نماز را باطل مي‌كند 25](#_Toc313558929)

[مسائل در أحكام سجود سهو در نماز 25](#_Toc313558930)

[چگونگي طهارت شخص بيمار 29](#_Toc313558931)

[كيفيت نماز گزاردن شخص بيمار 30](#_Toc313558932)

كيفيت نماز حضرت رسول

از عبدالعزيز بن باز به همه كسانيكه دوست دارند همانند رسول كريم نماز را برپاي دارند و به اين سخن ايشان جامه عمل بپوشانند كه فرمودند: «همانگونه كه ميبينيد من نماز مي‌خوانم، نماز بخوانيد»[[1]](#footnote-1).

**1- انجام وضوي كامل (وضوي كامل بگيريد):** وچگونگي آن بهمان صورت است كه خداوند امر فرموده است:

﴿ ﴾ [المائدة: 6].

معني: «اي كسانيكه كه ايمان آورده‌ايد، چون خواهيد براي نماز برخيزيد، صورت ودستها را تا آرنج بشوئيد، وسرخود را مسح كنيد، وپاهاي خود را تا قوزك (بجلک) بشوئيد».

وحضرت رسول فرمودند: «هيچ نمازي بدون طهارت قبول نمي‌شود»[[2]](#footnote-2).

**2– روي نمودن نمازگزار بسوي قبله:** كه همان كعبه است. در نتيجه نمازگزار در هر كجا كه باشد با تمام بدنش بسوي قبله متوجه مي‌گردد و انجام نماز مورد نظر را چه فرض باشد وچه نافله با قلبش نيت مي‌كند، واين نيت را بر زبان نمي‌آورد. چون تلفظ نيت نماز غير مشروع بوده، وهرگز نه حضرت رسول و نه اصحاب ايشان دست به انجام چنين عملي زده‌اند.

سنت است كه شخص، چه امام وچه منفرد، در مقابل خود ستره‌اي[[3]](#footnote-3) گذاشته ودر پشت آن نماز بخواند.

3- بر زبان راندن تكبيره الاحرام: كه بايد بگويد: «الله اكبر»، ونگاه خود را به محل سجود، يا سجده گاهش متمركز سازد.

 4- آنگاه دست‌هاي خود را تا مقابل شانه‌هايش ويا گوشهايش بالا ميبرد.

5- سپس دو دست خود را برسينه‌اش مي‌گذارد، وكيفيت آن بدين صورت است كه كف دست راست را بر پشت دست چپ قرار مي‌دهد. دليل اين عمل حديثي است كه از «وائل بن حجر» و «قبيصه بن هلب الطائي» ازپدرش ب روايت شده است.

6– سنت است كه شخص دعاي استفتاح[[4]](#footnote-4) را بخواند كه به اين صورت است:

**«اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِيْ وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْـمَشْرِقِ وَالْـمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَقِّنِيْ مِنْ خَطَايَايَ كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبُ الأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِيْ مِنْ خَطَايَايَ بِالثَّلْجِ وَالْـمَاِء وَالْبَرَدِ».**

واگر خواست مي‌تواند بجاي آن، اين دعا را بخواند:

**«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلاَ إِلَهَ غَيْرُكَ».**

وآنگاه مي‌گويد: **«أعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»**. وپس از آن سوره فاتحه را مي‌خواند. چون حضرت رسول فرمودند:

«نماز كسي كه فاتحه الكتاب را نخواند، قبول نخواهد شد»[[5]](#footnote-5).

وپس از قرائت اين سوره در نماز‌هاي جهريه (نمازهائي كه در آن إمام سوره‌ها را به صداي بلند مي‌خواند)، به صداي بلند «آمين» مي‌گويد. وسپس قسمتي از قرآن را مي‌خواند.

7 – با گفتن تكبير ودر حاليكه دست‌هايش را تا مقابل شانه‌هايش يا گوشهايش بالا آورده است به ركوع مي‌رود. دراين حالت، سر و كمر در يك خط قرار گرفته، ودستها در حاليكه انگشتان آن از هم باز هستند بر زانو قرار مي‌گيرند. و شخص در ركوع خود آرام گرفته، و مي‌گويد: **«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيْمِ»**. و بهتر است كه اين سخن را سه بار ويا بيشتر تكرار كند. و مستحب است كه برآن بيافزايد: **«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْلِيْ»**.

8 – سپس چه شخص نمازگزار إمام، وچه منفرد باشد، درحاليكه دست‌هايش را تا مقابل شانه‌ها يا گوشهايش بلند كرده است سر از ركوع بالا مي‌آورد و مي‌گويد: **«سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ».** وپس از قيام مي‌گويد: **«رَبَّنَا وَلَكَ الْـحَمْدُ، حَمْداً كَثِيْراً طَيِّباً مُبَارَكاً فِيْهِ. مِلْءَ السَّمَوَاتِ، وَمِلْءَ الأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا، وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ».**

واگر بر آن، اين دعا را بيافزايد نيز كار خوبي انجام داده است: **«أَهْلَ الثَّنَاءِ وَالْـمَجْدِ، أَحَقُّ مَا قَالَ الْعَبْدُ، وَكُلُّنَا لَكَ عَبْدٌ اللَّهُمَّ لاَ مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلاَ مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلاَ يَنْفَعُ ذَا الْـجَدِّ مِنْكَ الْـجَدُّ».** چون اين دعا در بعضي از احاديث صحيح از حضرت رسول بثبوت رسيده است.

واگر شخص نمازگزار مأموم باشد، پس از سر برآوردن از ركوع **«رَبَّنَا وَلَكَ الْـحَمْدُ»** را تا آخر آن بر زبان ميراند.

9 – آنگاه تكبير گفته وبه سجده مي‌رود. ودر صورت امكان زانوهايش را قبل از دست‌هايش بر زمين مي‌گذارد. و اگر انجام اين عمل براي او با مشقت همراه بود، دست‌هايش را قبل از زانوان خود بر زمين مي‌نهد. در حالت سجده، شكم انگشتان پا، وهمه انگشتان دو دست بسوي قبله وبر زمين قرار مي‌گيرند، وبهم مي‌چسپند. در اين حالت هفت عضو بدن با زمين تماس دارند كه از اين قرارند:

پيشاني وبيني، دو دست، دو زانو، وشكم انگشتان دو پا و آنگاه مي‌گويد **«سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلَى»**، واين جمله را سه بار ويا بيشتر تكرار مي‌كند.

ومستحب است كه برآن بيافزايد: **«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيْ».**

وهمچنين درحالت سجده، مستحب است كه شخص بر دعا بيافزايد چون رسول خدا مي‌فرمايد: «اما در ركوع، پس خداوند را به عظمت ياد كنيد، واما در سجود، پس در دعا اجتهاد و كوشش كنيد، چون نزديك است كه دعاي شما مستجاب گردد»[[6]](#footnote-6).

وهمچنين در موضع ديگري فرمودند:

«نزديكترين حالت بنده به پروردگارش، زماني است كه در حال سجده است. پس در دعاء اكثار ورزيد»[[7]](#footnote-7). (اين دو حديث را مسلم در صحيح خود روايت نموده است). ودر اين حالت براي خود وديگر مسلمانان خير دنيا وآخرت را مسئلت مي‌كند، حال چه اين نماز فرض ويا نفل باشد. در حالت سجده شخص بازوانش را از پهلو، شكمش را از رانها، و رانها را از ساق پاهايش جدا كرده، وساعد دست را از زمين بلند مي‌كند. چون حضرت رسول مي‌فرمايد:

«درسجود خود معتدل باشيد وهيچكدام از شما دست‌هايش را همانند سگان دراز نكند»[[8]](#footnote-8).

10 – آنگاه با گفتن تكبير، سر از سجود بر مي‌آورد ودر حاليكه پاها از زانو تا شده‌اند پشت قدم چپش را بر زمين گذاشته وبر كف قدم چپ خود (قسمت گودي كف پا) مينشيند، وكف (شكم) انگشتان پاي راست را بر زمين نصب مي‌كند (در اين حالت انگشتان پاي راست به جلو تا مي‌شوند). و دست‌هايش را برقسمت مشترك ران وزانوها گذاشته و مي‌گويد: **«رَبِّ اغْفِرْ لِيْ رَبِّ اغْفِرْ لِيْ، رَبِّ اغْفِرْ لِيْ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَارْحَمْنِيْ، وَارْزُقْنِيْ، وَعَافِنِيْ، وَاهْدِنِيْ، وَاجْبُرْنِيْ، وَارْفَعْنِيْ»**.

ودر اين جلوس (كه به جلسه ميان دو سجده معروف است) به اطمينان مي‌رسد. يعني آنقدر كه همه فقرات بدن به مكان اوليه خود بازگردند، واين اطمينان، به اطمينان در اعتدال پس از ركوع بسيار شبيه است. اين مسئله به اين دليل است كه حضرت رسول اعتدال پس از ركوع، واعتدال ميان دو سجده را كمي طول مي‌دادند.

11 – با گفتن تكبير دوباره به سجده مي‌رود، وهمه اعمالي كه درسجده اول انجام داده بود، انجام مي‌دهد.

12 – آنگاه با گفتن تكبير سر از سجده برمي آورد، وهمانند جلسه ميان سجدتين، كمي درنگ كرده و جلوس خفيفي انجام مي‌دهد. (اين هيئت نشستن به جلسه استراحت معروف است) اين جلسه برطبق صحيح‌ترين قول از أقوال دوگانه علماء مستحب بوده وترك آن هيچ اشكالي نداشته ودعاي مخصوصي نيز ندارد. آنگاه براي ركعت دوم برمي‌خيزد. و در انجام اين عمل، براي برخاستن خود، دست‌هايش را بر زمين تكيه مي‌دهد. وپس از آن سوره فاتحه و بدنبال آن، هرچه از قرآن كه برايش ميسر باشد مي‌خواند، وسپس همه اعمال ركعت اول را انجام مي‌دهد.

شخص ماموم (كسي كه به اقتداي امام جماعت نماز مي‌خواند) هرگز اجازه ندارد كه در انجام حركات نماز از امام پيشي بگيرد. چون رسول خداوند امتش را از اين عمل برحذر داشته است. وهمچنين همراهي امام در انجام حركات نماز نيز مكروه است. وسنت اينگونه حكم مي‌كند كه شخص، حركات نماز را بلافاصله پس از إمام، وپس از انقطاع صداي وي انجام دهد. چون حضرت رسول مي‌فرمايد: «همانا قرار دادن امام براي اين منظور است كه به او اقتدا شود،‌ پس عملي مخالف با او انجام ندهيد. هنگاميكه او تكبير گفت، شما تكبير بگوييد، وهنگامي كه گفت: سمع الله لمن حمده، شما بگوييد: ربنا ولك الحمد، وهنگاميكه به سجده رفت، شما به سجده برويد»[[9]](#footnote-9).

13 – درصورتي كه نماز، همانند نماز صبح، جمعه وعيدين، دو ركعتي باشد، پس از برخاستن از سجده دوم، پشت قدم چپش را بر زمين گذاشته وبر كف آن مي‌نشيند، وكف انگشتان پاي راست را بر زمين نصب مي‌كند. ودست راست را بر ران راست خود گذاشته وهمه انگشتان دست راستش را به جز سبابه مشت مي‌كند، وبا انگشتان سبابه به نشانه توحيد به جلو اشاره مي‌كند.. درصورتيكه انگشت كوچك، وانگشت نزديك به آن را گره نموده وبا انگشت شست وانگشت وسط خود حلقه‌اي بسازد و با انگشت سبابه به جلو اشاره كند نيز كار درستي انجام داده است. چون اين دو صفت، هر دو از حضرت رسول به ثبت رسيده است. وبهتر است كه هرگاهي يكي ازاين دو عمل را انجام دهد. و دست چپ خود را بر قسمت مشترك ران وزانوي چپ خود گذاشته ودعاي تشهد را مي‌خواند، كه از اين قرار است:

**«التَّحِيَّاتُ ِللهِ، وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلاَمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاَتُهُ، السَّلاَمُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِيْنَ، أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ»**. وسپس مي‌گويد:

**«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيْمَ وَعَلى آلِ إِبْرَاهِيْمَ، إِنَّكَ حَمِيْدٌ مَجِيْدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيْمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيْمَ، إِنَّكَ حَمِيْدٌ مَجِيْدٌ»**. و ازچهار چيز به خداوند پناه برده و مي‌گويد: **«اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَعُوْذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْـمَحْيَا وَالْـمَمَاتِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْـمَسِيْحِ الدَّجَّالِ»**.

وپس از آن، هرآنچه را كه از خير دنيا وآخرت بخواهد، ازخداوند مسئلت مي‌كند، واگر براي پدر ومادرش وديگر مسلمانان دعا كند، هيچ اشكالي ندارد. حال خواه اين نماز نافله، ويا فرض باشد. وپس از آن به طرف راست وچپ خود سلام مي‌دهد و مي‌گويد: **«السلام عليكم ورحمة الله. السلام عليكم ورحمة الله».**

14 – اگر نماز همانند مغرب، سه ركعتي، ويا همانند ظهر، عصر وعشاء چهار ركعتي باشد، شخص دعاي تشهد ياد شده را مي‌خواند، وبر حضرت رسول صلوات مي‌فرستد، وآنگاه با تكيه دادن بر زانوانش بر مي‌خيزد، ودستهايش را تا مقابل شانه‌هايش بالا مي‌آورد و مي‌گويد: «الله اكبر».

و پس از آن همانگونه كه گفته شد دست‌ها را بر سينه‌اش مي‌گذارد. و فقط سوره فاتحه را مي‌خواند.

ودر صورتيكه در بعضي از اوقات در ركعت سوم وچهارم نماز ظهر، علاوه بر سوره فاتحه، قسمتي از قرآن را بخواند هيچ اشكالي ندارد. چون دليل اين عمل درحديث أبي سعيد – – ازحضرت رسول به ثبوت رسيده است. و آنگاه پس از ركعت سوم نماز مغرب، وپس از ركعت چهارم نمازهاي ظهر، عصر، وعشاء دعاي تشهد را خوانده، وبر رسول خدا صلوات مي‌فرستد، واز عذاب جهنم، عذاب قبر، و فتنه مسيح دجال به خداوند پناه مي‌برد. و همانگونه كه گفته شد در دعاء إكثار مي‌ورزد.

اما حالت نشستن او در اين مقام با حالت نشستن در انتهاي نماز دوركعتي فرق دارد واز اينقرار است شكم انگشتان پاي راست خود را بر زمين نصب مي‌كند، وقدم چپ خود را از زير ساق پاي راستش مي‌گذراند، ونشيمنگاه خود را بر زمين مي‌نهد. اين حالت نشستن، ازحديث «أبي حميد» نتيجه مي‌شود. سپس به طرف راست وچپ خود سلام مي‌دهد و مي‌گويد: **«السلام عليكم ورحمة الله. السلام عليكم ورحمة الله»**.

وپس از آن سه بار **«أَسْتَغْفِرُ اللهَ»** مي‌گويد، وادامه مي‌دهد: **«اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلاَمُ وَمِنْكَ السَّلاَمُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْـجَلاَلِ وَالإِكْرَامِ. لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْـمُلْكُ وَلَهُ الْـحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ، اللَّهُمَّ لاَ مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلاَ مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلاَ يَنْفَعُ ذَا الْـجَدِّ مِنْكَ الْـجَدُّ. لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ، وَلاَ نَعْبُدُ إِلاَّ إِيَّاهُ، لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْـحَسَنُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُوْنَ»**.

وپس از آن سي وسه بار «سبحان الله»، سي وسه بار «الحمدلله» وسي وسه بار «الله‌اكبر» گفته و سپس يكبار مي‌گويد: **«لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْـمُلْكُ وَلَهُ الْـحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ»**.

كه روي هم رفته صدبار خواهد شد.

سپس «آية الكرسي»، ﴿ ﴾ و ﴿ ﴾ و ﴿ ﴾ را پس از نمازها قرائت مي‌كند. و مستحب است كه پس از نمازهاي صبح ومغرب، اين سه سوره را هر كدام سه بار تكرار كند. چون دراين مورد، از حضرت رسول حديث صحيح به ثبوت رسيده است. وهمچنين بدليل ثبوت اين ذكر ازحضرت رسول : **«لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْـمُلْكُ وَلَهُ الْـحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ»**.

مستحب است كه پس از نمازهاي صبح ومغرب، آن را ده بار تكرار كند.

ودر صورت اينكه شخص نماز گزار إمام باشد، پس از گفتن سه بار «أستغفر الله» وگفتن: **«اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلاَمُ وَمِنْكَ السَّلاَمُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْـجَلاَلِ وَالإِكْرَامِ»**، بسوي ديگر نمازگزاران برگشته، و روبروي آنان مي‌نشيند، وپس از انجام اين عمل دعاها و أذكار ياد شده ديگر را ادامه مي‌دهد. دليل اين عمل نيز از أحاديث زيادي كه حديث عائشه –ل – در صحيح مسلم نيز يكي از آن‌ها است، ازرسول خداوند به ثبوت رسيده است. و بايد دانست كه همه اين أذكار سنت بوده وهيچكدام فرض نمي‌باشند.

برهمه مسلمانان، چه زن وچه مرد درحال اقامت (مقيم بودن)، مستحب است كه برخواندن دوازده ركعت نماز محافظت كنند، كه عبارتند از: چهار ركعت نماز قبل از نماز ظهر، و دو ركعت بعد از آن، دو ركعت نماز بعد از نماز مغرب، دو ركعت پس از نماز عشاء، ودو ركعت قبل از نماز صبح. چون حضرت رسول همواره در حالت مقيم بودن اين نمازها را انجام مي‌دادند، واين نمازها به «سنن رواتب» معروفند. ودر صحيح مسلم از «أم حبيبه» – ل – ازحضرت رسول به ثبوت رسيده است كه فرمودند: «كسي كه در شبانه روزش صورت داوطلبانه (نافله) دوازده ركعت نماز بخواند، براي او خانه‌اي در بهشت بنا خواهد شد»[[10]](#footnote-10).

وامام ترمذي درروايت خود از اين حديث، اين نمازها را به سنن رواتب تفسير كرده است.

اما درحالت سفر، حضرت رسول نمازهاي سنت ظهر، مغرب، وعشاء را رها نموده، وهمواره نمازهاي سنت فجر ووتر را محافظت مي‌نمودند. پس بايد همواره ايشان را الگوي اعمال خود دانسته واز ايشان تبعيت كنيم. وخداوند مي‌فرمايد:

﴿ ﴾ [الأحزاب: 21] معني: «همانا در رسول خدا براي شما الگوي نيكي است».

وحضرت رسول فرمودند: «همانگونه كه مي‌بينيد من نماز مي‌خوانم، نماز بخوانيد»[[11]](#footnote-11).

**والله ولي التوفيق... وصلي الله وسلم علي نبينا محمد بن عبدالله وعلى آله وأصحابه وأتباعه بإحسان إلى يوم الدين.**

واجب بودن أداي نمازها در جماعت

از عبدالعزيز بن عبد الله بن باز به همه مسلمان، **وفقهم الله لما فيه رضاه ونظمني وإياهم في سلك من خافه واتقاه. آمين.**

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، أما بعد...

به من ابلاغ گرديده است كه بسياري از مردم در أداي نمازها در جماعت سستي نموده وسهل انگاري برخي از علما را بهانه اين عمل خود قرار مي‌دهند. لذا واجب خود دانستم كه خطورت اين امر عظيم را براي برادران خود بازگو كنم.

هرگز جايز نيست كه مسلمانان در مورد امري كه خداوند بزرگ در كتاب خود، ورسول بزرگوار او در سخنانش بدينگونه آن را پر شان وعظيم خوانده‌اند سستي وسهل انگاري نموده وآن را كوچك و بي ارزش بپندارند. همانا الله جل شأنه در مواضع بسياري از كتاب كريمش نماز را ذكر نموده، وبا بزرگ داشتن منزلت آن برمحافظت وانجام اين نمازها درجماعت أمر كرده است. ونيز سستي وتنبلي در أداي آنان را از صفات منافقين برشمرده و مي‌فرمايد:

﴿ ﴾ [البقرة: 238]

معني: «برنمازها ونماز وسطي محافظت نموده وبراي خداوند به اطاعت قيام كنيد».

درنتيجه هنگاميكه يك شخص در أداي جمعي اين نمازها با برادران خود تخلف نموده وباز مي‌ماند چگونه مي‌تواند به اين قول خداوند عمل نموده، واز نمازهاي مذكور محافظت كرده وآن را تعظيم كند؟ حال آنكه خداوند مي‌فرمايد:

﴿ ﴾ [البقرة: 43]

معني: «ونماز را برپا داشته وزكات را بدهيد، وبا ركوع كنندگان ركوع كنيد».

اين آيه كريمه نصي در وجوب نماز جماعت، و مشاركت نمازگزاران در انجام نمازها مي‌باشد. واگر منظور از اين نص، فقط وفقط إقامه نمازها بود، با وجود امر به إقامه نمازها در اول آيه، ختم اين آيه با جمله ﴿ ﴾ مناسبت ومعنايي نداشته وبسيار بيهوده جلوه مي‌كرد. نيز خداوند مي‌فرمايد:

﴿ ﴾ [النساء: 102]

معني: «(اگر در هنگام جهاد) درميان آنان بودي ونماز را براي آنان اقامه كردي، بايد گروهي همراه با تو مسلح به نماز بايستند، وهنگاميكه اين گروه نماز را تمام كردند، پشت شما قرار گرفته، و گروه ديگري كه نماز نخوانده‌اند بيايند، و مسلح با تو نماز بخوانند، وبسيار مواظب باشند».

واگر قرار بود كسي از نماز جماعت معاف شود، سزاوار بود آنانكه در مقابل دشمن صف كشيده وبا خطر تهاجم دشمن روبرو هستند معاف شوند، پس چون آن‌ها معاف نشده‌اند اين چنين استنباط مي‌شود كه اداي نماز جماعت از مهمترين واجبات است وجائز نيست كسي از آن تخلف نمايد.

در صحيحين أبي هريره از رسول الله اينگونه نقل مي‌كند كه فرموده‌اند:

«قصد كردم دستور اقامه نماز دهم. سپس شخصي را به امامت نمازگزاران بگمارم، آنگاه همراه با مرداني كه هيمه وهيزم به همراه دارند، به سوي كساني كه در نماز حاضر نمي‌شوند بشتابم، و خانه‌هاي آنان را به آتش كشم»[[12]](#footnote-12).

ودر صحيح مسلم از عبد الله بن مسعود روايت مي‌شود كه گفت:

«ما را مي‌ديدي كه به جز شخص بيمار، ومنافقي كه نفاقش بر همگان آشكار بود، كس ديگري از نماز تخلف نمي‌ورزيد، وحتي شخص بيمار با راه رفتن در ميان دو مرد، به آنان تكيه مي‌داد تا در نماز حاضر گردد»[[13]](#footnote-13).

ونيز مي‌گويد:

«براستي رسول خداوند ، راه وروش رستگاري را به ما آموخت، وهمانا أداي نماز در مسجدي كه در آن أذان گفته مي‌شود، از راه و روشهاي رستگاري است»[[14]](#footnote-14). ونيز فرمود:

«كسي كه دوست دارد فردا (روز قيامت) خداوند را با مسلماني ملاقات كند، پس اين نمازهائي كه آنان را ندا مي‌دهند، حفظ كند. چون براستي خداوند را رستگاري را بر نبي شما تشريح نموده است، واين نمازها از همان راههاي رستگاري مي‌باشند واگر شما نيز همانند اين متخلف در خانه‌هاي خود نماز بخوانيد، سنت نبي خود را ترك گفته‌ايد واگر سنت نبي خود را ترك كنيد، گمراه خواهيد شد. وهيچ مردي نباشد كه در خانه خود وضوء گرفته، وآن را به خوبي انجام دهد، وآنگاه به مسجدي از اين مساجد بيايد، مگر اينكه خداوند براي هر قدمي كه بر مي‌دارد براي او حسنه‌اي نوشته، واو را يك درجه بالا برده، واز او سيئه‌اي پاك مي‌كند. وهمانا ما را مي‌ديدي، كه از اين نمازها به جز منافقي كه نفاق وي بر همه آشكار است، كس ديگري تخلف نمي‌ورزيد. و همانا مردي را مي‌آورند، درحاليكه درميان دو شخص ديگر تكيه داده، تا اينكه دردرون صف جاي گيرد»[[15]](#footnote-15).

ونيز در صحيح مسلم از ابي هريره روايت مي‌شود كه مي‌گويد: مردي نابينا به سوي رسول خدا آمده وگفت: «اي رسول خدا ، من كسي را ندارم كه مرا به مسجد بياورد، پس آيا به من اجازه مي‌دهي كه در خانه خود نماز بخوانم؟» و رسول الله به او فرمودند: «آيا صداي أذان را مي‌شنوي؟» مرد جواب داد: «آري». پس رسول خدا فرمودند: «آن ندا را اجابت كن».

واحاديثي كه بر واجب بودن نماز جماعت، وجوب أدا نمودن آنان در مساجد دلالت دارند بسيارند. در نتيجه جهت پيروي از امر خداوند ورسولش، ودوري از آنچه خداوند ورسول او نهي نموده‌اند، وهمچنين پرهيز از مشابهت با أهل نفاق كه خداوند آنان را با صفاتي ناپسند ياد مي‌كند، بر هر مسلماني عنايت به اين امر، مبادرت به سوي انجام آن، ووصيت نمودن ديگران يعني فرزندان، خانواده، همسايگان، وساير مسلمانان جهت برپا داشتن آن واجب است.

آري، از زشت‌ترين صفاتي كه خداوند در آيات منزله خود به منافقين نسبت مي‌دهد، سستي وتنبلي آنان در أداي نمازاست، خداوند مي‌فرمايد:

﴿ ﴾ [النساء: 142، 143]

معني: «همانا منافقين با خداوند مكر وحيله ميكنند، وخداوند نيز با آن‌ها مكر مي‌كند، وچون به نماز آيند، از روي بي ميلي وبه حال كسالت نماز گزارند، به مردم ريا مي‌كنند وبه جز اندكي ذكر خدا نمي‌كنند. دودل ومتردد باشند، نه به سوي مؤمنان يك دل مي‌روند ونه به سوي كافران. وهر كه را خداوند گمراه كند، هرگز نمي‌تواني براي او، راهي به سوي هدايت يابي».

ونيز تخلف از أداي نمازها در جماعت، ازاسباب ترك كلي آن‌ها ميباشد. و بر همگان معلوم است كه ترك نماز يعني كفر، گمراهي، وخروج از دايره اسلام. چون حضرت رسول مي‌فرمايند:

«حدفاصل بين يك مرد، وكفر وشرك،‌ ترك نماز است»[[16]](#footnote-16).

وهمچنين فرمودند:

«عهد ميان ما وآنان نماز است، پس هر كسي آن را ترك كند، كافر شده است»[[17]](#footnote-17).

وآيات واحاديثي كه در تعظيم شأن نماز، و واجب بودن محافظت برآن، واقامه آن برطبق شرع خداوند، و إخطار در مورد ترك آن آمده‌اند، بسيار زياد، وبرهمگان معلومند.

درنتيجه واجب هر مسلماني است كه جهت اطاعت از خداوند سبحان ورسول او ودوري از غضب خداوند وعذاب دردناك او، از اداي آنان در وقت معلومش محافظت نموده، و اين نمازها را بر طبق شرع خداوند، وهمراه با برادرانش ودر جماعت، و در مساجد خداوند برپا كند.

وهنگاميكه حق هويدا شده و دلائل آن ظاهر گشت، هيچكس اجازه ندارد كه به بهانه قول اين وآن، آن را زير پا گذارد. چون خداوند مي‌فرمايد:

﴿ ﴾ [النساء: 59]

معني: «بايستي اگر در امري كارتان به گفتگو و نزاع كشد، به حكم خداوند ورسول باز گرديد، اگر به خدا وروز قيامت ايمان داريد، اين كار براي شما بهتر وخوش عاقبت‌تر خواهد بود».

وهمچنين مي‌فرمايد:

﴿ ﴾ [النور:63]

معني: «پس كسانيكه از امر او مخالفت مي‌كنند بايستي از اينكه فتنه‌اي گريبانگير آن‌ها شود ويا دچار عذابي دردناك گردند بترسند».

وفوايد ومصالح بسيار زياد نماز جماعت بر هيچكس پنهان نيست، چون اين نمازها باعث تعارف وتعاون مسلمانان بر نيكي وتقوا گشته، وسبب وصيت نمودن به حق، وصبر بر آن مي‌گردد.

نماز جماعت باعث تشويق متخلف، تعليم شخص نادان وجاهل، وبه خشم آوردن أهل نفاق، ودوري از راه آنان گشته، وشعائر خداوند را بين بندگانش آشكار ساخته، وهمراه با قول وعمل بسوي خداوند سبحان مي‌خواند...

خداوند من وشما را در راه رضاي خود، و صلاح أمر دنيا وآخرت موفق نموده، وما را از شرور نفس وزشتيهاي كردارمان، وهمچنين مشابهت كفار ومنافقين، درپناه خود گيرد، إنه جواد كريم.

**والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته، وصلى الله وسلم على نبينا محمد وآله وصحبه.**

\*\*\*

وضوء، غسل، و نماز

**الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خاتم النبيين وإمام المتقين وسيد الخلق أجمعين نبينا محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين.**

أما بعد...

بنده فقير بدرگاه خداوند «محمد بن صالح العثيمين» مي‌گويد:

آنچه در پيش روي شما است، رساله كوچكي است درباره وضوء، غسل، ونماز برحسب آنچه در كتاب خداوند وسنت رسول وي آمده است.

وضوء

وضوء، طهارت واجبي است از حدث اصغر، همانند إدرار، مدفوع، بادشكم، خواب عميق، و خوردن گوشت شتر.

چگونگي وضوء

1 – شخص انجام وضوء را در قلب خود، وبدون بر زبان راندن آن نيت مي‌كند. چون رسول خداوند هرگز نه در وضوء، ونه در نماز، ونه در ديگر عبادات خود، نيت خويش را تلفظ ننموده وبر زبان نرانده است. ونيز به بيان دليل كه خداوند از امور قلبي همه مردم آگاه بوده، ودر نتيجه خبر دار نمودن او از امور قلبي دليل وعلتي ندارد.

2 – نام خداوند را برزبان رانده و مي‌گويد: «بسم الله».

3 – كف وپشت دست خود را سه بار مي‌شويد.

4 – سه بار دهان وبيني خود را مي‌شويد.

5 – صورت خود را در عرض از گوش تا گوش، ‌ودر طول از محل روئيدن موي سر تا پائين ريش، سه بار مي‌شويد.

6 – آنگاه ابتداي دست راست، وسپس دست چپ خود را از سر انگشتان تا آرنج، هركدام سه بار مي‌شويد.

7 – سرخود را يكبار مسح مي‌كند. به اين ترتيب كه دو دست خود را خيس كرده، و آن را از جلوي سر تا پشت آن برموها كشيده، وبه همين حالت آنان را دوباره به جلوي سر بر مي‌گرداند.

8 – سپس دوگوش خود را يكبار مسح مي‌كند. به اين ترتيب كه سبابه خود را در راهها وشيارهاي گوش گذرانده، وبا انگشت شست پشت گوش خود را پاك مي‌كند.

9 – آنگاه دو پاي خود را هر كدام سه بار از سر انگشتان، تا قوزك پا مي‌شويد، كه در اين عمل، اول از پاي راست شروع مي‌كند، وسپس به پاي چپ مي‌پردازد.

غسل

غسل طهارت واجبي است از حدث اكبر، همانند جنابت وحيض.

چگونگي غسل:

1 – شخص انجام غسل را در قلب خود وبدون تلفظ آن نيت مي‌كند.

2 – آنگاه نام خداوند را ذكر كرده، مي‌گويد: «بسم الله».

3 – آنگاه همانگونه كه در مبحث وضوء گفته شد، وضوء كاملي مي‌گيرد.

4 – سپس برسر خود مقداري آب ريخته و آن را خوب خيس مي‌كند، وپس از اينكه سرخود را خيس كرد، بر آن سه بار آب مي‌ريزد.

5 – آنگاه بقيه بدن خود را مي‌شويد.

تيمم

تيمم، طهارت واجبي است با خاك كه در صورت عدم دسترسي به آب، ويا بروز ضرر از استعمال آن، جاي وضوء وغسل را مي‌گيرد.

چگونگي تيمم:

انجام تيمم را به جاي غسل ويا وضوء در دل نيت مي‌كند، وكف دستان خود را برزمين ويا ديواري كه به زمين متصل است زده، وبا آن صورت وسپس كف وپشت دو دست خود را مسح مي‌كند.

نماز

نماز، عبادتي است داراي اقوال وافعال كه با تكبير شروع شده، وبا تسليم پايان مي‌پذيرد.

بر شخص واجب است كه در صورت اراده نماز، در صورت مبتلا بودن به حدث اصغر وضوء گرفته، ودر صورت مبتلا بودن به حدث اكبر غسل كند. ودر صورتي كه آب در دسترس او نبوده و يا اينكه استفاده از آب باعث بروز ضرر گردد، به جاي وضوء وغسل، تيمم مي‌كند. شخص بايد بدن، لباس، و مكان نماز خويش را از هرگونه نجاست پاك كند.

كيفيت نماز

1 – شخص با تمام بدن خود وبدون انحراف والتفات، بسوي قبله ميايستد.

2 – نمازي را كه مي‌خواهد بخواند، در قلب خود و بدون تلفظ آن نيت مي‌كند.

3 – سپس مي‌گويد: «الله اكبر»، كه اين سخن به «تكبيره الاحرام» معروف است، ودر هنگام گفتن آن دست‌هاي خود را تا مقابل شانه‌هايش بالا مي‌آورد.

4 – آنگاه كف دست راست خويش را بر پشت كف دست چپ، وبرسينه مي‌گذارد.

5 – پس از آن دعاي استفتاح را مي‌خواند كه از اين قرار است:

**«اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِيْ وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْـمَشْرِقِ وَالْـمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَقِّنِيْ مِنْ خَطَايَايَ كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبُ الأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِيْ مِنْ خَطَايَايَ بِالثَّلْجِ وَالْـمَاِء وَالْبَرَدِ»**.

يا اينكه مي‌گويد:

**«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلاَ إِلَهَ غَيْرُكَ»**.

6 – سپس مي‌گويد: **«أعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»**.

7 – آنگاه پس از گفتن: **«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»**، سوره فاتحه را قرائت مي‌كند و مي‌گويد:

﴿ ﴾. وپس از آن مي‌گويد: «آمين»،‌ يعني: «خداوندا إجابت كن».

8 – سپس قسمتي از قرآن را مي‌خواند. و در نماز صبح قرائتش را طولاني مي‌كند.

 9 – آنگاه جهت تعظيم خداوند كمر خم كرده وبا گفتن تكبير به ركوع مي‌رود، وهنگام گفتن تكبير دست‌ها را تا مقابل شانه‌هايش بالا مي‌آورد. سنت بر اين است كه شخص كمر خود را درحالت ركوع كاملا صاف نگه داشته وسر خود را در امتداد آن قرار دهد وكف دستان خود را بر روي زانويش بگذارد وانگشتان دست‌هايش را به يكديگر نچسباند.

10 – و در ركوع خود سه بار مي‌گويد: **«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيْمِ»**. واگر اين جمله را نيز به آن اضافه كند، بسيار نيكو است: **«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْلِيْ»**.

11 – پس از آن با گفتن: **«سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»**، سر از ركوع بر ميدارد، ودستهاي خود را تا مقابل شانه‌هايش بالا مي‌آورد. شخص مأموم (كسي كه پشت سر إمام نماز مي‌خواند) مأمور به گفتن اين جمله نيست، وبه جاي آن مي‌گويد: **«رَبَّنَا وَلَكَ الْـحَمْدُ»**.

12 – وپس از بالا آمدن از ركوع مي‌گويد: **«رَبَّنَا وَلَكَ الْـحَمْدُ، حَمْداً كَثِيْراً طَيِّباً مُبَارَكاً فِيْهِ. مِلْءَ السَّمَوَاتِ، وَمِلْءَ الأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا، وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ»**.

13 – سپس در مقام خشوع در مقابل خداوند به سجده اول مي‌رود، و هنگام سجودش مي‌گويد: «الله اكبر». در هنگام سجود هفت عضو بدن بر زمين قرار مي‌گيرند كه از اين قرارند: پيشاني با بيني، كف دو دست، دو زانو، وشكم انگشتان دوپا. در اين حالت بازوها از پهلو دور مي‌شوند، وشخص نبايد آرنج خود را بر زمين بچسباند. سر همه انگشتان دست و پا نيز بسوي قبله قرار مي‌گيرند.

14 – در سجود خود سه بار مي‌گويد: **«سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلَى»**. واگر اين ذكر را نيز به آن اضافه كند، كار خوبي انجام داده است: **«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيْ»**.

15 – آنگاه با گفتن «الله اكبر» سر خود را از سجود بر ميدارد و مي‌نشيند.

16 – اين نشستن، به جلسه ميان سجدتين معروف است وحالت آن نيز بدين گونه است: شخص پاي چپ خود را از زانو تا مي‌كند. و بر قدم پاي چپش مي‌نشيند. پاي راست نيز از زانو تا مي‌شود وشكم انگشتان پاي راست بر زمين نصب مي‌گردند. شخص دست راست خود را برآن قسمت از ران راست كه به طرف زانو است گذاشته، و انگشت كوچك خود و انگشت كناري آن را مشت مي‌كند، وبا انگشت شست وانگشت وسط حلقه‌اي مي‌سازد. آنگاه سبابه را نيز به جلو بلند كرده، وهنگام دعا آن را حركت مي‌دهد. دست چپ نيز بر آن قسمت از ران چپ كه به طرف زانو است قرار مي‌گيرد، كه البته آن را مشت نمي‌كند.

17 – در اين حالت نشستن مي‌گويد: : **«رَبِّ اغْفِرْ لِيْ وَارْحَمْنِيْ، وَاهْدِنِيْ، وَارْزُقْنِيْ، وَاجْبُرْنِيْ، وَعَافِنِيْ»**.

18 – آنگاه با گفتن: «الله اكبر»، خاشعانه به سجده دوم رفته، واعمالي را كه در سجده اول انجام داده بود، اينجا نيز انجام مي‌دهد.

19 – سپس با گفتن: «الله اكبر» برخاسته، وركعت دوم را همانند ركعت اول بجاي مي‌آورد. فقط فرق آن اين است كه در ركعت دوم، دعاي استفتاح خوانده نمي‌شود.

20 – آنگاه پس از انتهاي ركعت دوم با گفتن: «الله اكبر» همانند جلسه ميان دوسجده مي‌نشيند.

21 – ودر اين هيئت نشستن «تشهد» را كه به اين صورت است، مي‌خواند:

**«التَّحِيَّاتُ ِللهِ، وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلاَمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاَتُهُ، السَّلاَمُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِيْنَ، أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ»**.

**«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيْمَ وَعَلى آلِ إِبْرَاهِيْمَ، إِنَّكَ حَمِيْدٌ مَجِيْدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيْمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيْمَ، إِنَّكَ حَمِيْدٌ مَجِيْدٌ»**.

**«اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَعُوْذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْـمَحْيَا وَالْـمَمَاتِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْـمَسِيْحِ الدَّجَّالِ»**.

و پروردگارش را به هر آنچه از خير دنيا وآخرت كه بخواهد دعا مي‌كند.

22 – آنگاه بطرف راست خود سلام فرستاده و مي‌گويد: **«السلام عليكم ورحمة الله»**. وهمچنين بطرف چپ خويش اين سلام را مي‌فرستد.

23 – واگر نماز سه ركعتي ويا چهار ركعتي بود. در انتهاي تشهد يعني: **«...أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ»**. دعا را قطع مي‌كند.

24 – آنگاه با گفتن «الله اكبر» برخاسته وقائم مي‌شود، ودر اين هنگام دست‌هايش را تا مقابل شانه‌هايش بالا مي‌برد.

25 – سپس بقيه نماز را همانند ركعت دوم بجاي مي‌آورد. أما در قرائت خود فقط سوره فاتحه را خوانده وبدان اكتفا مي‌كند.

26 – سپس بحالت «تورك» مي‌نشيند. يعني پاي راست خود را تا كرده، وكف انگشتان پاي راست را بر زمين مي‌گذارد، وقدم چپش را از زير ساق پاي راست گذرانيده، ونشيمنگاه خود را بر زمين مي‌گذارد، وهمانند تشهد اول دست‌هاي خود را بر رانهايش مي‌گذارد.

27 – ودر اين حالت نشستن تشهد را به صورت كامل قرائت مي‌كند.

28 – آنگاه بطرف راستش سلام مي‌فرستد و مي‌گويد:

**«السلام عليكم ورحمة الله»**، وسپس به همين صورت به طرف چپ خود سلام مي‌فرستد.

امور مكروه در نماز

1 – ملتفت شدن به اين طرف و آن طرف، با سر ويا چشم در نماز مكروه مي‌باشد. اما نظرانداختن به آسمان حرام است.

2 – انجام حركتهاي غير ضروري در نماز كراهت دارد.

3 – به همراه داشتن شيئ كه انسان را در نماز بخود مشغول كند، همانند چيزي كه وزن داشته ويا رنگارنگ باشد، كه در اين صورت شخص را به خود جلب مي‌كند.

4 – «تخصر» يا گذاشتن دست‌ها بر روي خاصره يا تهيگاه.

اموري كه نماز را باطل مي‌كند

1– سخن گفتن از روي عمد، حتي اگر مقدار آن كم باشد.

2– منحرف شدن از قبله با تمامي بدن.

3– خروج باد از مقعد شخص، وهر آن چيزي كه باعث انجام وضوء ويا غسل مي‌گردد.

4 – انجام حركات زياد ومتوالي وغير ضروري.

5 – خنده در نماز، حتي، اگر بسيار كم باشد.

6 – اضافه كردن ركوع، سجود، قيام، ويا نشستني به حركات نماز به صورت عمد.

7 – سبقت گرفتن از إمام در انجام حركات نماز به صورت عمد.

مسائل در أحكام سجود سهو در نماز

1 – در صورتي كه شخص در نماز دچار سهو شده واشتباها ركوع، سجود، قيام ويا نشستني بر آن بيافزايد، پس از سلام دادن دوبار سجده نموده و دوباره سلام مي‌دهد.

مثلا: اگر شخص مشغول أداي نماز ظهر بود، و براي ركعت پنجم برخاست، وسپس به او اين مسئله گوشزد شده ويا خود او متوجه آن شد، بدون گفتن تكبير مي‌نشيند، وتشهد أخير را به پايان مي‌برد و سلام مي‌دهد. آنگاه دوبار سجده سهو نموده و دوباره سلام مي‌دهد.

وهمچنين اگر تا پس از سلام دادن به اين اشتباه خود آگاه نشد نيز به همان صورت دوبار سجده سهو كرده ودو باره سلام مي‌دهد.

2 – اگر قبل از إتمام نمازش سلام بدهد، واين أمر در مدتي نزديك ونه چندان طولاني يعني به اندازه‌اي كه بتواند بقيه نمازش را به آن بيافزايد به او گوشزد شده، ويا خودش متوجه آن گردد، آنچه از نمازش را كه باقي مانده است به پايان برده، سجده سهو نموده، و سپس سلام مي‌دهد.

مثلا: اگر شخص به أداي نماز ظهر مشغول بود، ودر نتيجه سهو در انتهاي ركعت سوم سلام داد، و اين اشتباه به او گوشزد شده، ويا خودش متوجه آن گرديد، بايد برخاسته وركعت چهارم را به جاي آورد، وپس از انتهاي تشهد دوبار سجده سهو نموده، و پس از آن سلام دهد. واگر پس از گذشت مدتي طولاني اين اشتباه را بياد آورد، بايد همه نمازش را از اول بخواند.

3 – در صورتي كه شخص تشهد اول ويا ديگر واجبات نماز را فراموش كند، قبل از سلام دو بار سجده سهو مي‌كند، ونمازش درست است. ودر صورتي كه يكي از اين واجبات فراموش شده را قبل از انتقال از محل آن وورود به حركت بعدي بياد آورد، آن را انجام مي‌دهد، وبر او هيچ اشكالي وارد نيست. ودر صورتي كه اين واجب فراموش شده را پس از انتقال از محل آن وقبل از رسيدن به حركت بعدي بياد آورد، به حركت قبلي برگشته و آن را انجام مي‌دهد.

مثلا: در صورتي كه شخص، انجام تشهد اول را فراموش كند، ولي قبل از قيام آن را بياد آورد، پس تشهدش را مي‌خواند وبقيه نماز را به صورت طبيعي آن ادامه مي‌دهد، وهيچ امري بر او نيست و در صورتي كه انجام تشهد را فراموش كرده و براي قيام برخيزد، اما قبل از قائم شدن كامل بدن آن را بياد آورد، برگشته وتشهد را مي‌خواند وبقيه نماز را ادامه مي‌دهد. اما أهل علم عقيده دارند كه اين شخص بايد قبل از سلام، دوبار سجده سهو كند. و اين مسئله به اين خاطر است كه قيام ناقصي به نماز او اضافه شده است. والله أعلم.

4 – در صورتي كه شخص مشكوك باشد كه آيا دو ركعت از نماز را به جاي آورده، و يا اينكه سه ركعت آن را انجام داده است، وهيچكدام ازاين دو احتمال نزد او بر ديگري برتري نداشته باشد، پس بايد شك خود را به يقين تبديل كند. بدين صورت كه همواره بر عدد كمتر يقين مي‌كند، وآنگاه در انتهاي نماز وقبل از سلام دوباره سجده سهو مي‌كند.

مثلا: اگر شخص مشغول أداي نماز ظهر باشد، ودر ركعت دوم خود شك كند، يعني اينكه نداند كه هم اكنون در ركعت دوم است يا ركعت سوم، و هيچ كدام ازاين دو احتمال در ذهنش بر ديگري برتري نيابد، بايد به عدد كمتر كه همان ركعت دوم است يقين كرده وبقيه نماز را برا ين مبنا ادامه دهد. و در انتهای نماز وقبل از سلام دوبار سجده سهو كند.

5 – اگر شخص در تعداد ركعاتي كه ادا كرده است مشكوك باشد، ونداند كه مثلا دو ركعت را ادا كرده است، ويا اينكه سه ركعت را به انجام رسانيده است، اما يكي از اين دو احتمال را بر ديگري برتري دهد، آنگاه است كه بايد بر احتمال أرجح يقين كند. خوا ه اين احتمال عدد كمتر باشد، يا بيشتر. وپس از سلام دوبار سجده سهو نموده ودو باره سلام مي‌دهد.

در ركعت دوم خود مشكوك شد كه آيا اين ركعت، ركعت دوم است يا سوم، اما نزد او اين احتمال كه اين ركعت، ركعت سوم است، بر احتمال ديگر ارجحيت داشت، در نتيجه بر اين احتمال ديگر أرجحيتي ركعت سوم يقين نموده و بقيه نمازش را برهمين مبنا ادامه مي‌دهد. آنگاه پس از سلام دوبار سجده سهو نموده و دوباره سلام مي‌دهد.

ودر صورتي كه پس از اتمام نماز مشكوك شد، به اين شك هيچ توجهي نمي‌كند، مگر اينكه در مورد اشتباهي يقين حاصل كند. واگر اين شخص فردي بود كثيرالشك (كسي كه زياد شك مي‌كند)، پس نبايد به اين شك خود وقعه‌اي نهاده وبراي آن ارزشي قائل گردد. چون اين شك از روي وسواس است.

**والله أعلم، وصلى الله وسلم على نبينا محمد وآله وصحبه**

چگونگي طهارت شخص بيمار

1 – شخص بيمار بايد عمل طهارت را با آب انجام دهد. در نتيجه براي رفع حدث أصغر وضوء گرفته، و جهت رفع حدث أكبر غسل مي‌كند.

2 – واگر بعلت عجز، ويا ترس از بيشتر شدن بيماري، ويا خوف از كندي بهبودي نمي‌توانست با آب طهارت بگيرد، پس بايد تيمم كند.

3 – كيفيت تيمم به اين صورت است كه با كف دست‌هاي خود بر زمين طاهر يكبار ضربه زده، وبا آن همه صورت خود را مسح كند، وسپس كف و پشت دست‌هايش را با يكديگر مسح كند.

4 – اگر شخص از طهارت خودش عاجز بود، پس بايد شخص ديگري او را وضوء و يا تيمم دهد.

5 – اگر در قسمتهائي از اعضاي طهارت زخم و جرح وجود داشت، آن را با آب مي‌شويد. واگر شستن با آب باعث وخامت زخم شود، بايد دست خود را با آب تركرده، وبا آن روي زخم مسح كند. واگر مسح كردن نيز باعث عفونت زخم مي‌شد، پس بايد تيمم كند.

6 – اگر در بعضي از اعضاي طهارت شكستگي وجود داشت، ومحل اين شكستگي با گچ ويا پارچه پوشيده شده بود، بايد به جاي شستن اين اماكن، آن را با آب مسح كند، وهيچ احتياجي به تيمم نيست. چون مسح جاي شستن را مي‌گيرد.

7 – شخص مي‌تواند بر ديوار ويا هرچيز طاهر ديگري كه بر آن گرد نشسته است تيمم كند. واگر ديوار بوسيله چيزي همانند رنگ كه از جنس زمين نيست پوشيده شده باشد، نمي‌توان بر آن تيمم كرد، مگر اينكه برآن گرد نشسته باشد.

8 – اگر تيمم گرفتن بر زمين، ديوار، ويا هر چيز ديگري كه بر آن گرد نشسته است غيرممكن بود، ميتوان خاك را در ظرف ويا دستمالي نگهداري كرده، وبا آن تيمم نمود.

9 – در صورتي كه شخص براي أداي نماز تيمم نموده وتا نماز بعدي بر اين طهارت باقي بماند، مي‌تواند به همين تيمم اكتفا نموده ونماز بعدي را نيز به همين تيمم أدا كند، واحتياجي به تيمم دوباره ندارد. چون او هنوز بر طهارت خود باقي بوده، واين طهارت باطل نشده است.

10 – برشخص بيمار واجب است كه بدن خود را از نجاست طاهر كند. واگر بر انجام طهارت توانائي نداشت، به همان حالت نماز مي‌خواند ونمازش صحيح بوده واحتياجي به اعاده آن نيست.

11 – برمريض واجب است كه با لباسي طاهر نماز بخواند. ودر صورت نجاست لباسش بايد آن را شسته و يا با لباس طاهري عوض كند. واگر اين أمر نيز امكان نداشت به همان حالت نماز مي‌خواند، و نماز او صحيح بوده واحتياجي به إعاده آن نيست.

12 – شخص بيمار بايد در مكان طاهري نماز بخواند. ودر صورت نجاست اين مكان يا شيئ بايد آنجا را شسته، ويا آن شيئ را با شيئ طاهر ديگري عوض كند. يا اينكه بايد بر آن، دستمال، وياشيئ طاهر ديگري فرش كرد. واگر اين امور امكان نداشت، به همان صورت نماز مي‌خواند، ونماز او هيچ اشكالي ندارد، واحتياجي به إعاده نماز نيست.

13 – شخص بيمار نمي‌تواند به دليل عجز از طهارت، نماز خود را از وقت محدد آن عقب بياندازد. بلكه بقدر امكان طهارت گرفته و نماز را در وقت خود أدا مي‌كند. حتي اگر در بدن، لباس، ومكان نمازش نجاستي باشد كه قادر به زودودن آن نيست.

كيفيت نماز گزاردن شخص بيمار

1 – بر شخص بيمار واجب است كه نماز فريضه را ايستاده بخواند. حتي اگر كه در اين حالت كج شده وبر ديوار، عصا، ويا هر چيز ديگري تكيه زند.

2 – پس در صورتي كه نتواند به صورت ايستاده نماز را أدا كند، مي‌تواند بنشيند. وبهتر است كه در اين حالت در هنگام قيام وركوع چهار زانو بنشيند.

3 – واگر نماز خواندن به صورت نشسته نيز برايش امكان نداشت، به پهلو ورو به قبله نماز مي‌خواند، كه در اين صورت بهتر است كه بر پهلوي راست خود بخوابد. واگر نتوانست روبه قبله نماز بخواند، به هرجهتي كه مي‌تواند نماز گزارده، ونمازش صحيح است وهيچ احتياجي به اعاده آن نيست.

4 – واگر نماز گزاردن به پهلو نيز براي او غير ممكن بود، به كمر خوابيده، پاهاي خود را متوجه قبله مي‌كند. وبهتر است كه در اين حالت، سرخود را كمي بلند كند، تا نگاهش متوجه قبله باشد. واگر براي او امكان نداشت كه پاهايش را متوجه قبله كند، به هر حالتي كه هست نماز گزارده، و نمازش صحيح است، وهيچ احتياجي به اعاده ندارد.

5 – بر بيمار واجب است كه در نماز خود، ركوع و سجود كند. و در صورت عدم توانائي، اين اعمال را با حركت واشاره سرش انجام مي‌دهد، كه در حالت سجود، سرخود را پائينتر از حالت ركوع قرار مي‌دهد. واگر شخص مي‌توانست ركوع كند واز سجود عاجز بود، در هنگام ركوع، ركوع خود را انجام داده، ودر هنگام سجود با سر خود به سجود اشاره مي‌كند، ودر صورتيكه شخص مي‌توانست به سجود برود، اما از ركوع عاجز بود، در هنگام سجود، سجده كرده، ودر هنگام ركوع با سر خود به ركوع اشاره مي‌كند.

6 – واگر اشاره كردن به سر نيز در هنگام ركوع و سجود برايش غير ممكن بود، با چشمان خود به اين اعمال اشاره مي‌كند. پس براي ركوع كمي چشمان خود را بر هم گذاشته، وبراي سجود چشمان خود را بيشتر مي‌بندد. واما اشاره كردن با انگشتان دست در هنگام سجود و ركوع كه برخي از بيماران آن را انجام مي‌دهند، هرگز صحيح نبوده، ودر كتاب وسنت هيچ اصل ونشاني از آن نمي‌شناسيم. و أهل علم نيز بدان اشاره‌اي نكرده‌اند.

7 – واگر اشاره كردن به سر وچشم نيز براي بيمار امكان نداشت، به قلب خود نماز مي‌خواند. در نتيجه تكبير گفته و آيات را قرائت مي‌كند، وسجود، ركوع، قيام وقعود (نشستن) را به قلب خود نيت مي‌كند. **«ولكل امريء ما نوى»**.

8 – بر شخص بيمار واجب است كه همه نمازها را در اوقات محدد خود بخواند، وهمه واجبات آن را تا حد استطاعت انجام دهد. واگر به جاي آوردن نمازها در وقت مكتوب آن برايش با مشقت همراه بود، مي‌تواند بين نمازهاي ظهر وعصر، وهم چنين مغرب و عشاء جمع بسته و اين نمازها را به صورت جمع بخواند. در نتيجه اين نمازها يا بصورت «جمع تقديم» خوانده مي‌شوند، يعني نماز عصر را پس از نماز ظهر و در وقت نماز ظهر، ونماز عشاء را پس از نماز مغرب، ودر وقت نماز مغرب أدا مي‌كند. ويا اينكه اين نمازها را بصورت «جمع تأخير» مي‌خواند. يعني نماز ظهر را قبل از نماز عصر، ودر وقت نماز عصر، ونماز مغرب را قبل از نماز عشاء، ودر وقت نماز عشاء به جاي مي‌آورد. وبايد شخص ببيند كه كداميك از اين حالات جمع براي او راحت‌تر مي‌باشد.

اما نماز صبح را نمي‌توان به صورت جمع با نمازهاي ديگر خواند.

9 – در صورتيكه شخص بيمار مسافر بوده وبراي معالجه به ديار ديگري غير از شهر خود مسافرت كرده باشد، بايد نمازهاي چهار ركعتي را به صورت «قصر» بخواند. يعني نمازهاي ظهر، ‌عصر، و عشاء را به جاي چهار ركعت، دو ركعت أدا مي‌كند، تا اينكه به شهر خود باز گردد. حال خواه اين سفر طولاني ويا كوتاه باشد.

والله الموفق

نوشته فقير إلي الله

محمد الصالح العثيمين

1. - **«صَلَّوْا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»** روايت بخاري. [↑](#footnote-ref-1)
2. - **«لاَ تُقْبَلُ صَلاَةٌ بِغَيْرِ طُهُور»** روايت مسلم. [↑](#footnote-ref-2)
3. - **ستره:** هرچيز كه نمازگزار جلوي خود نهد تا مانع مرور ديگران از جلوي نماز وي گردد ستره مي‌نامند، حداقل ارتفاع ستره يك وجب مي‌باشد، و مي‌تواند ستون، ديوار و امثال آن را ستره خود قرار دهد. [↑](#footnote-ref-3)
4. - دعاي استفتاح دعائيست كه بعد از تكبيره الاحرام وقبل از خواندن سوره فاتحه در ركعت اول نماز خوانده مي‌شود. [↑](#footnote-ref-4)
5. - «**لاَ صَلاَةَ لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ بِفَاتِحَةِ الكِتَابِ**» روايت بخاري ومسلم. [↑](#footnote-ref-5)
6. - **«أَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظِّمُوا فِيهِ الرَّبَّ، وَأَمَّا السُّجُودُ فَاجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ قَمِنٌ أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ»** روايت نسائي. [↑](#footnote-ref-6)
7. - **«أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ، وَهُوَ سَاجِدٌ، فَأَكْثِرُوا مِنَ الدُّعَاءَ»** روايت مسلم. [↑](#footnote-ref-7)
8. - **«اعْتَدِلُوا فِي السُّجُودِ، وَلاَ يَبْسُطْ أَحَدُكُمْ ذِرَاعَيْهِ انْبِسَاطَ الكَلْبِ»** روايت بخاري ومسلم. [↑](#footnote-ref-8)
9. - **«إِنَّمَا جُعِلَ الإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ، فَلاَ تَخْتَلِفُوا عَلَيْهِ، فَإِذَا كَبَرَ، فَكَّبرَوَا، وَإِذَا قَالَ: سَمِعَ اللَّـهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، فَقُولُوا: رَبَّنَا لَكَ الحَمْدُ، فَإِذَا سَجَدَ فَاسْجُدُوا»**. (متفق عليه). [↑](#footnote-ref-9)
10. - **«مَنْ صَلَّى اثْنَتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً فِي يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، تَطَوُّعًا بُنِيَ الله لَهُ بَيْتَاً فِي الْـجَنَّةِ»** (روايت مسلم). [↑](#footnote-ref-10)
11. - **«صَلَّوْا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»** روايت بخاري. [↑](#footnote-ref-11)
12. - **«لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ آمُرَ بِالصَّلَاةِ، فَتُقَامَ، ثُمَّ آمُرَ رَجُلًا أَنَّ يُصَلِّيَ بِالنَّاسِ، ثُمَّ أَنْطَلِقَ بِرِجَالٍ مَعَهُمْ حُزَمٌ مِنْ حَطَبٍ، إِلَى قَوْمٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ، فَأُحَرِّقَ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ»** (الحديث) روايت بخاري ومسلم. [↑](#footnote-ref-12)
13. - «**لَقَدْ رَأَيْتُنَا وَمَا يَتَخَلَّفُ عَنِ الصَّلَاةِ إِلَّا مُنَافِقٌ عُلِمَ نِفَاقُهُ، أَوْ مَرِيضٌ، إِنْ كَانَ الْـمَرِيضُ لَيَمْشِي بَيْنَ رَجُلَيْنِ حَتَّى يَأْتِيَ الصَّلَاةِ**» روايت مسلم. [↑](#footnote-ref-13)
14. - **«إِنْ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَّمَنَا سُنَنَ الْـهُدَى، وَإِنَّ مِنْ سُنَنَ الْـهُدَى الصَّلَاةَ فِي الْـمَسْجِدِ الَّذِي يُؤَذَّنُ فِيهِ»** روايت مسلم. [↑](#footnote-ref-14)
15. - **«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللهَ غَدًا مُسْلِمًا، فَلْيُحَافِظْ عَلَى هَذِهِ الصَّلَوَاتِ حَيْثُ يُنَادَى بِهِنَّ، فَإِنَّ اللهَ شَرَعَ لِنَبِيِّكُمْ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُنَنَ الْـهُدَى، وَإِنَّهُنَّ مَنْ سُنَنَ الْـهُدَى، وَلَوْ أَنَّكُمْ صَلَّيْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ كَمَا يُصَلِّي هَذَا الْـمُتَخَلِّفُ فِي بَيْتِهِ، لَتَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ، وَلَوْ تَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ لَضَلَلْتُمْ، وَمَا مِنْ رَجُلٍ يَتَطَهَّرُ فَيُحْسِنُ الطُّهُورَ، ثُمَّ يَعْمِدُ إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ هَذِهِ الْـمَسَاجِدِ، إِلَّا كَتَبَ اللهُ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ يَخْطُوهَا حَسَنَةً، وَيَرْفَعُهُ بِهَا دَرَجَةً، وَيَحُطُّ عَنْهُ بِهَا سَيِّئَةً، وَلَقَدْ رَأَيْتُنَا وَمَا يَتَخَلَّفُ عَنْهَا إِلَّا مُنَافِقٌ مَعْلُومُ النِّفَاقِ، وَلَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ يُؤْتَى بِهِ يُهَادَى بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ حَتَّى يُقَامَ فِي الصَّفِّ»** روايت مسلم. [↑](#footnote-ref-15)
16. - **«بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشِّرْكِ وَالْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ»** روايت مسلم. [↑](#footnote-ref-16)
17. - **«العَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ، فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ»** (روايت امام أحمد). [↑](#footnote-ref-17)